گفت‌وگو با فروغ قجابگلی، بازیگر نقش زری کوتاه نمایش کوکوی کبوتران حرم

در ستایش اشک‌های فروخورده زنان

نمایشنامه کوکوی کبوتران حرم نوشته علیرضا نادری از نمایشنامه نویسان برجسته تئاتر ایران است که در حوزه متون اجتماعی قوی و پرمایه جای می گیرد. این نمایشنامه یک بار در سال ۱۳۸۷ در تئاتر شهر به روی صحنه آمد و حالا پس از گذشت سالها افسانه ماهیان با گروهی منسجم و حرفه ای این نمایشنامه را در مجموعه تئاتر شهرزاد به روی صحنه آورده است. این نمایشنامه جزو آثار اجتماعی ادبیات نمایشی ایران است که با مهارت و بینش قوی به نگارش در آمده و زندگی ۱۲ زن را روایت می کند که به نوعی سرنوشت و زندگی آنها به هم گره خورده است. ۱۲ زن برای رفع گرفتاری ها و مشکلاتشان و گرفتن حاجت عازم مشهد می شوند و در مهمانسرایی اقامت می کنند. در همین جاست که به مرور، مخاطب با زندگی و رازهای آنها آشنا می شود و همذات پنداری مخاطب با شخصیت ها آغاز می گردد؛ شخصیت هایی که شاید برای مخاطب غریبه نیستند. شخصیت پردازی، دیالوگها، حرکات، تکیه کلام ها و داستان زندگی شخصیت ها برای مخاطب آشنا هستند و روایتی را از جامعه ارایه می دهد که برای ما غریبه نیست. علیرضا نادری در این نمایشنامه با نگاهی ژرف و دقیق مسائل و مشکلات زنان را بیان می کند. در این نمایش بازیگران با تجربه تئاتر و سینما: ناهید مسلمی، عاطفه رضوی، فروغ قجابگلی، مرضیه بدرقه، بهناز جعفری، شقایق دهقان، مسیح کاظمی، مرضیه وفامهر، یلدا عباسی، فرزانه سهیلی، گیتی قاسمی و شیدا خلیق به ایفای نقش می پردازند.

پژمان دادخواه | فروغ قجابگلی، کارگردان و بازیگر پرکار و باتجربه تئاتر است که سال‌ها به فعالیت در این زمینه پرداخته و جوایز متعددی را دریافت کرده و خوش درخشیده است. فروغ قجابگلی هم‌اکنون در تئاتر کوکوی کبوتران حرم به کارگردانی افسانه ماهیان در پردیس تئاتر شهرزاد به ایفای نقش می‌پردازد. به بهانه ایفای نقش و ویژگی‌های اجتماعی و دنیای زنان در این نمایش با این بازیگر به گفت‌وگو نشستیم.

شما یکی از بازیگرهای پرکار و توانمند تئاتر ایران هستید. در کل می‌خواهم بدانم که این نمایش چندمین تجربه حضور شما در نمایشی با مضمون و درونمایه دنیای زنان است؟

من در نمایش‌هایی که در حیطه زنان بوده، زیاد کار کردم. نمونه آخرش خانه پاکیزه بود که در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به روی صحنه رفت. عامدانه عاشقانه کار ساناز بیان بود که در اجرای سالن اکو نقش نسرین را بازی کردم، شب مویه‌ها نوشته نغمه ثمینی و کار کوروش زارعی بود، اعترافاتی درباره زنان نوشته آقای یاراحمدی و کار رضا حامدی‌خواه بود و میهمان ناخوانده نوشته محمود ناظری و کار مشترک خودم و طوفان مهردادیان بود. اینها کارهای زنانه و درباره زنان بود که حافظه‌ام یاری کرد و یادم آمد. الان در ماجرای قصه کوکوی کبوتران حرم هستم و حضور ذهنم بیشتر این طرف است، اما خیلی از متن‌هایی را که کار کرده‌ام، زنانه و با تم اجتماعی بوده و همه آنها برای من دوست‌داشتنی و جذاب بودند. کارهایی با محوریت زنان و اجتماع، رنج‌ها، دردها، شادی‌ها و زندگی‌های خاص زنان برای من خیلی تعمق برانگیز و دلپسند است.

چه عواملی باعث جذب شما به این متن و نهایتا پیوستن به این نمایش شد؟ در ادامه بفرمایید که ابتدا شخصیت زری کوتاه به شما پیشنهاد داده شد یا انتخاب خود شما بود؟

به‌نظر من علیرضا نادری یکی از بهترین نمایشنامه‌نویسان تاریخ تئاتر ایران است، به‌خصوص متن کوکوی کبوتران حرم. آن دفعه هم که خود آقای نادری این متن را اجرا کرد، قرار بود من بازی کنم که متاسفانه نشد، تا الان که دوباره افسانه ماهیان خواستند این کار را انجام دهند، یعنی یکی از دلایل انتخاب من علاوه‌بر متن، حضور افسانه ماهیان و تیمی که انتخاب شدند برایم خیلی مهم بود؛ یک تیم خوب، حرفه‌ای و کاربلد که دوست داشتم با آنها کار کنم. یک نمایشنامه‌خوانی خوب و عالی از این متن را هم در خردادماه با آقای علی سرابی و دوستان بازیگر خوب تئاتری و سینمایی در سالن اصلی داشتم؛ آن جانقش آذر را می‌خواندم و اینجا نقش زری کوتاه پیشنهاد شد. تمام نقش‌های کوکو جذاب و قابل تحسین برای بازیگر هستند. من این نقش را خیلی دوست دارم. یکی از نقش‌هایی است که چندوجه و چندبُعد یک شخصیت به‌خوبی در آن شکل گرفته و نوشته شده است. خنده‌ها، شادی‌ها، رنج‌ها و دردی که کشیده، رابطه‌اش با بچه‌اش و زن‌های دیگر، با مرد زندگی‌اش و دیگر مردان را می‌بینیم. پروسه زندگی پرفشار و پر از رنج زری خیلی خوب به صورت مینیمال و فشرده توسط علیرضا نادری نوشته شده است. درک و تجربه این نقش برای نمایش‌دادنش روی صحنه و پروسه فشار روحی و روانی که در زری کوتاه وجود داشت، برای من خیلی جذاب بود. این فشار نه‌تنها از طرف مرد زندگی‌اش به او وارد می‌شد، بلکه از طرف زنان خانواده هم به او فشار و لطمه وارد می‌شد، درواقع رنجی بر این زن هموار می‌شد که مقطعی نبود، بلکه پروژه‌ای بود. گاهی‌وقت‌ها آدم یک ناراحتی دارد و این ناراحتی تمام می‌شود و می‌رود... سال‌هاست که این درد و رنج از درون و بیرون با زری همراه است. مدام بهش گوشزد می‌کنند و به رویش می‌آورند و این برای من خیلی دردناک بود، یعنی علاوه بر این‌که همسری داشت که بیمار الکلی بود، این‌که مدام خطایت را یادآوری و گوشزد کنند، بسیار آسیب‌زننده است. این‌که خطا مدام گوشزد شود، خیلی دردناک و ویرانگر می‌شود، شاید به همین دلیل زری حسابگر می‌شود.

به‌نظر شما متن‌های اجتماعی‌ای شبیه کوکوی کبوتران حرم چقدر می‌تواند به بهبود و اصلاح اوضاع اجتماعی، روابط آدم‌ها و جلوگیری از بروز پاره‌ای از معضلات کمک کند؟

من همیشه در نمایش‌هایی که به‌خصوص زنانه است، به این فکر می‌کنم که زن چراغ خانه است، یعنی اصلا این یک جمله پر از معنا و فلسفه و پر از درایت، بیداری و هوشیاری است. به‌نظر من شخصی که این جمله را گفته آن‌قدر هوشیار بوده و آن‌قدر زن را می‌شناخته که این جمله زیبا را گفته که زن چراغ خانه است. به دلیل این‌که زن اگر سرحال و سر پا و سالم نباشد و پر از انگیزه و امید زندگی نباشد، خیلی صدمه‌ها و ویرانگری‌ها به خانه و خانواده و جامعه وارد می‌شود. این جمله رسالت زن را نشان می‌دهد. زن چراغ خانه، زن چراغ جامعه، زن چراغ جهان و هستی است. او هستی‌بخش و پرورش‌دهنده، بیدارکننده و آگاهی‌دهنده است. علیرضا نادری با قلم خوب و شناخت بسیار عالی که دارد و مطالعات بسیار خوبی که در حوزه زنان انجام داده، توانسته زاویه‌های شخصیتی زن‌ها را بسیار خوب ببیند و آسیب‌هایی را که به این زنان وارد می‌شود، چه آسیب روحی، معنوی، فیزیکی و کلامی را بسیار دقیق معرفی کند و به ما هشدار بدهد که ما زن‌ها حواس‌مان به خودمان باشد، چون ما چراغ راه هستیم. ما چراغ‌هایی هستیم که نه در خانه بلکه در جامعه می‌توانیم خیلی مسائل و تاریکی‌ها را روشن کنیم. ما چراغ‌هایی هستیم که می‌توانیم راه فرزندان‌مان را روشن کنیم. چراغ‌هایی هستیم که می‌توانیم راه خواهران، برادران، مردان، مدیران و مسئولان این جامعه را روشن کنیم. در این زمینه صحبت‌های زیادی شده که زن چقدر می‌تواند در سیستم اجتماعی، خانوادگی و آموزشی مهم باشد. با دیدن این گونه نمایش‌ها، فیلم‌ها و آثار می‌توانیم پی ببریم که اولا ما زن‌ها حواس‌مان به خودمان باشد و خیلی به خودمان رسیدگی کنیم و نسبت به خودمان و آدم‌های اطراف‌مان بیدار و هوشیار باشیم. مردان جامعه باید متفکرانه و اندیشمندانه به این زن‌ها فکر کنند و به آنها آرامش دهند که این امر دو سویه است. وقتی زن آرامش داشته باشد، می‌تواند این آرامش را به فرزندان، مردان و زنان دیگر و جهان پیرامون خود و به هستی ببخشد و انتقال دهد. به لحاظ بعد جامعه‌شناسی آقای نادری خیلی به این موارد اشاره می‌کند.

به مرور در این نمایش برون‌ریزی اطلاعات، دردها و رازهای این زن‌ها را می‌بینیم. رازها برملا می‌شود و دردها و رنج‌های نگفته بازگو می‌شود. به‌نظر شما علت این رخداد چیست؟ این اتفاق قرار است نهایتا به چه چیز منجر شود؟ آیا افشای راز این زن‌ها نتیجه‌ای هم در پی دارد؟

به‌خاطر این است که ما شناخت بیشتری پیدا کنیم، هوشیار باشیم و اعتماد کنیم، یعنی وقتی که من فروغ درد و مشکلم را که یک راز است، با یک دوست عنوان می‌کنم، اولا اعتمادم را نشان می‌دهم، دوم این درد از من کنده می‌شود و به زمین گذاشته می‌شود و سوم این‌که شناخت بیشتری نسبت به خودم و محیطم پیدا می‌کنم و این‌که چه کسی می‌تواند به من کمک کند. این‌جاست که رازها باز می‌شود، بالاخره یک روند و تفکری آقای نادری برای نوشتن این نمایشنامه داشته و می‌خواسته مسائل این دهه و این پروسه از تاریخ اجتماع ما را بیان کند. رسالتی هست و هنرمند تئاتر بازگوکننده است و از طریق زبان فاخر هنر تئاتر این دردها و رازها گفته شود و بیشتر در مورد آن تفکر و تعمق می‌شود، به امید این‌که راه‌حلی داده شود. کار نمایشنامه‌نویس و بهتر بگویم هنرمند، ارایه راه‌حل نیست و فقط مسائل را بازگو می‌کند و افراد دیگری مسائل را حل می‌کنند.

زنانی که در این نمایش وجود دارند، سال‌هاست که رنج‌ها و دردهای عمیقی را در خود نگه داشته‌اند. به‌عنوان بازیگری که این متن را مورد تامل قرار داده و درک کرده است، بفرمایید چرا این زنان دردها و رنج‌ها را در خود نگه داشته و پنهان کرده‌اند. چرا دردها را بروز نمی‌دهند و دست به کنش نمی‌زنند؟

سوال خیلی خوبی است. بغض گلویم را گرفت. چرا زن‌ها دردهای‌شان را نگه می‌دارند؟ من هم سوالم این است که چرا زن‌ها درد و رازشان را نگه می‌دارند و چرا بغض می‌کنند؟ چرا حرف نمی‌زنند؟ چرا اعتماد نمی‌کنند؟ چرا همیشه صدای زن باید پایین باشد؟ خیلی دردناک است. امیدوارم هر کسی که این نوشته را می‌خواند چند بار این سوال را از خودش بپرسد که چرا زن‌ها دردهای‌شان را عنوان نمی‌کنند؟ چه زن و چه مرد این سوال را از خودش بپرسد. پیشنهادم این است که این سوال را از خودمان بپرسیم. من فکر می‌کنم این مسأله برمی‌گردد به تربیت فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی، یعنی همه و همه... الان تا اندازه‌ای زن‌ها می‌توانند حرف بزنند و دردهای‌شان را عنوان کنند. یاد جمله‌ای می‌افتم که قبلا نوشته بودم: «گاهی آن‌قدر دلم می‌گیرد وقتی صدای زری دختر همسایه را می‌شنوم که از بغض نگفتن‌ها صدایش مردانه شده.» اینقدر سوال عمیق بود که انگار یک درد نهانی تاریخی از من بیرون می‌آید. انگار یک چیزی که در تاریخ حمل شده است به من به ارث رسیده که این‌جا بیان کنم. امیدوارم ما خودمان به این آگاهی رسیده باشیم که خودمان برای خودمان کاری کنیم و من خودم تصمیم بگیرم از یک جایی شروع کنم، به اعتماد کردن، دردهایم را گفتن، احساساتم را بیان کردن و ناراحتی‌هایم را گفتن و عقایدم را اعلام کردن. اگر به من یاد ندادند، من به خودم این را یاد بدهم. فکر می‌کنم الان زمان این است که خودم کاری کنم و برای رشد و بلوغم حرکتی را آغاز کنم. کسی نیست.... آگاهی و خودشناسی این است که من خودم برای خودم کاری بکنم. من خودم برای خودم حرکتی را انجام دهم.

عکس: هیلار حسینی

گفت‌وگو با شیدا خلیق، بازیگر نقش فرح در نمایش کوکوی کبوتران حرم

تمرکز زیادی بر مسائل اجتماعی داشتم

شیدا خلیق، بازیگر جوان تئاتر، سینما و تلویزیون است که این بار در نمایش کوکوی کبوتران حرم در پردیس تئاتر شهرزاد به ایفای نقش می‌پردازد. بازی شیدا خلیق در نقش فرح در این نمایش را می‌توان جزو کارهای درخشان این هنرمند دانست. درباره اطلاعات بیشتر درباره تجربه بازی در این نمایش با این هنرمند به گفت‌وگو پرداختیم.

لطفا تجربه‌تان را از بازی در این نمایش و همکاری با خانم افسانه ماهیان بفرمایید.

من این مطلب را همه جا گفته‌ام و فکر می‌کنم این جا هم بگویم خوب باشد. آن سالی که این نمایش برای نخستین بار اجرا شد، سال ۱۳۸۷، اگر اشتباه نکنم، من به واسطه مادرم که سرکار بودند در جریان همه تمرینات و سر همه اجراها بودم و در آن سال‌ها خیلی دلم می‌خواست یکی از نقش‌ها را بازی کنم، ولی سنم کم بود. همیشه آرزو می‌کردم این متن یک بار دیگر اجرا شود تا من بتوانم یکی از نقش‌ها را بازی کنم. وقتی افسانه ماهیان عزیز این پیشنهاد را به من دادند، خیلی عجیب بود که آرزویم برآورده شد. برای این که من عاشق نقش فرح بودم و خیلی دوست داشتم این نقش را بازی کنم. تجربه همکاری با افسانه ماهیان واقعا بی‌نظیر است. برای این که افسانه ماهیان خودش سال‌ها کار بازیگری کرده و خیلی خوب بازیگری را می‌شناسد، برای همین با خیال راحت خودت را در تمرین‌ها به او می‌سپاری و مطمئنی که او به‌عنوان یک چشم از بیرون تو را خیلی خوب نگاه می‌کند.

چقدر با این متن و شخصیت فرح ارتباط برقرار کردید؟

متن کوکوی کبوتران حرم که علیرضا نادری عزیز نوشته است، فکر می‌کنم جزو معدود متن‌هایی است که درواقع یک مرد راجع به خانم‌ها نوشته است، آن‌قدر موفق و با شناخت جامع و کامل. حتی به‌عنوان یک مخاطب عادی وقتی این نمایشنامه را می‌خوانی تعجب می‌کنی که چه جوری یک مرد توانسته است آن‌قدر دقیق فضای خصوصی زنان را درک کند، برای همین مواجهه نخست من با این متن واقعا حیرت‌انگیز بود، چون اصلا باورم نمی‌شد. وقتی هم که می‌خواهی به‌عنوان بازیگر این متن را کار کنی، (البته این تجربه شخصی من است و شاید برای بازیگر دیگری متفاوت باشد) آن‌قدر نقش‌ها کامل و با جزییات نوشته شده است و کاراکترها در مرحله نوشتار تمام شده که عملا تو به‌عنوان بازیگر به نظرم هیچ کار اضافه‌ای انجام ندهی. آنقدر متن، کاراکترها را کامل توضیح داده است که فقط تو در راستای متن حرکت بکنی، به‌نظر من کفایت می‌کند.

برای رسیدن به نقش فرح چقدر تمرین داشتید؟

کاراکتر فرح برای من خیلی عزیز است، یعنی به اندازه‌ای دوستش دارم که هر وقت و در هر سنی که فرصتش را پیدا کنم، باز هم می‌توانم این نقش را بازی کنم. برای درآوردن کاراکتر فرح مثل همه بازیگرها ما حدود سه ماه تمرین داشتیم. فکر می‌کنم سه ماه برای رسیدن به یک نقش، پروسه‌ای کامل و کافی است. برای این که به اندازه کافی فرصت روخوانی متن و تحلیل هست، خصوصا که کارگردان خانم ماهیان هم باشد که بشدت بر متن‌های علیرضا نادری اشراف دارد.

فکر می‌کنید چه عواملی باعث دردها و رنج‌های فرح شده است؟ آیا همان عواملی است که از زبان شما در نمایش روایت می‌شود یا مشکلاتش ریشه‌های دیگری هم می‌تواند داشته باشد؟

بیشتر دلم می‌خواهد راجع به تأثیرپذیری فرح از هما صحبت کنم. ما درواقع در متن هیچ ایده‌ای راجع به خانواده این دو نفر نداریم. پس من هم سعی می‌کنم فقط راجع به فرح و هما صحبت کنم. چیزی که در متن راجع به آن صحبت می‌شود. چیزی که حس می‌شود این است که فرح بشدت از هما تأثیر می‌گیرد، حتی با این که در خیلی از موارد قبولش ندارد، ولی آن حس حمایت و حس خواهر بودن و حتی شاید مادر بودن برای فرح از سوی هما حس می‌شود. همان جور که می‌بینیم فرح هم خیلی از جاهای متن از هما فکت می‌آورد که هما می‌گوید این جوری! هما می‌گوید آن جوری! فکر می‌کنم درواقع چیزی که متن می‌گوید بشدت در مورد فرح کامل است. کار کردن در یک محیط مردانه و حرف‌های هما راجع به مردها، همه اینها مجموعه‌ای از جهان فرح را تشکیل می‌دهد که شاید هم غلط باشد. اما متاسفانه در خانواده‌ها و جامعه ما این اتفاق همیشه می‌افتد که بچه‌ها در یک سنی که شخصیت‌شان دارد شکل می‌گیرد، همیشه تحت تأثیر افراد بزرگ‌تر آن خانواده هستند. مثلا اگر خواهر بزرگ‌تر خانواده مردستیز است، تعجبی ندارد که فرح هم همین فکر را بکند.

به‌عنوان جوان‌ترین بازیگر نمایش بفرمایید چقدر به ایفای نقش در آثار اجتماعی علاقه‌مند هستید و برای خلق این شخصیت با چه سختی‌ها و مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

من خیلی کاراکترهای این جوری را سعی کردم بازی بکنم، یعنی درواقع از وقتی که عرصه بازیگری برایم جدی بوده است، تمرکز زیادی روی مسائل اجتماعی مخصوصا در زمینه دخترهای هم‌سنم داشتم، نقش‌های زیادی را هم در این خصوص بازی کردم و فکر می‌کنم به اندازه کافی متفاوت بوده است. برای من بازی کردنش بشدت لذت‌بخش است. از این که خودت را جای بقیه آدم‌ها می‌گذاری و تجربه زندگی آنها را با خودت همراه می‌کنی، عمیقا برای من لذت‌بخش است. غیر از این هم باید بگویم صددرصد دغدغه من همین موضوع است که این جور نقش‌ها را انتخاب می‌کنم. اما فکر می‌کنم برای این سال‌هایی که دارد می‌گذرد و بعد از تجربه‌های اخیرم، دلم می‌خواهد یک فرم دیگر نمایشی را تجربه بکنم و به این معنا نیست که شاید دلم نخواهد برگردم، اما دلم می‌خواهد از نظر فرم نمایشی تجربه‌های دیگری داشته باشم و شاید دوباره برگردم و این دغدغه‌های اجتماعی را انتخاب بکنم.

در آخر هم به‌عنوان کوچکترین فرد گروه باید بگویم خیلی لذت‌بخش است که در کنار ۱۱ زن بازیگر دیگر بازی می‌کنید که هر کدام‌شان دنیایی از تجربه هستند. واقعا مثل یک کلاس بازیگری است. واقعا شبیه هیچ چیزی نیست. خیلی خوشحالم که ما ۱۲ نفر در این نمایش این حس را تجربه می‌کنیم. ممنون از شما.